

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سیدموسی عثمان هستی

۲۸ دسمبر ۲۰۱۳

واقعیت های آغاز جنگ باروس و دولت دست نشاندۀ روس

مراکشتی ونوکریه روس گشتی

نماتد غیرت افغانی دوس گشتی

چه شد آخر که تو مایوس گشتی

سرانجام تویی ناموس گشتی

شاعریوزن و بی ترازو

روز هجوم آگاهانه روسها، که زخم خون چکان تاریخ معاصر افغانستان هستند اگر از لشکر کشی روس هر سال در این روزها سخن به میان می آوریم در نوشته های خود به خاطر آگاهی نسل آینده ملیت های نجیب افغانستان جمله داخل قوس زیر را با خط درشت بنویسیم که داخل قوس روز هجوم و فرار روس را برجسته می سازد.
(ششم جدی ۱۳۵۸ (۲۷ دسمبر ۱۹۸۰) و چهاردهم فیبروری ۱۹۸۹ روزهای آغاز و انجام اشغال افغانستان توسط روسهاست که در آئینه روشن و بی غبار تاریخ به نام روز سیاه روزی آمده است)
این هجوم احمقانه نه تنها یک حادثه دلخراش و یک فاجعه تکان دهنده بود که رذالت های روس و حزب دموکراتیک خلق را نمی توانیم تنها به سالهای حمله روس و دولت دست نشاندۀ روس محدود سازیم، چه تا افغانستان است و یک افغان است این هجوم و لشکر کشی روس و جنایت روس و دولت دست نشاندۀ روس را تقبیح می کند

پدر کشتی و تخم کین کاشتی

پدر کشته راکی بود آشتی

آنچه که در آئینه تاریخ تصویر سازی شده نه روس و نه حزب دموکراتیک خلق، هیچ یک شکست روس و دولت دست نشاندۀ را پیش بینی نکرده بودند چنانچه رهبران حزب دموکراتیک خلق این جمله را بارها نشخوار می کردند که کودتای ثورانقلاب برگشت ناپذیر است و تاریخ به عقب بر نمی گردد و روس بعد از جنگ دوم جهانی یک ببر بود که جنگ های افغانستان آن رابه ببر کاغذی تبدیل کرد و رهبران کودن حزب دموکراتیک خلق هم آن قدر احمق و کودن بودند که اتکاء به ملیت های نجیب افغانستان نداشتند. اعتماد به مزدوری روس داشتند چنانچه ببرک شیداد تاریخ زده طعمه ماهی های دریای آمو بارها درسخرانی های خود گفته بود که (کسی شایسته یک افغان است که سیاست روس را پیش ببرداخلاق

روسی داشته باشد سرسبیده دولت روس باشد روس پشتی بان ما است ما و حزب ما به خاطر پیروی از روس افتخاری کنیم)- نفل به مضمون- این نوع حرفها سالهانشخوار ببرک سرآخو رزمذوری روس بود

بزرگترین اشتباه روس و دولت دست نشاندۀ روس این بود که فکری کردند تنهامردم مسلمان افغانستان به خاطر دین و اسلام می جنگند سرانجام خسته می شوند چون موضوع آیدیا لوژی در این جنگ دخیل نیست درحالی که بقایای مارکسیت های چپ مقدس و مارکسیست هائیکه با حزب و دولت دست نشاندۀ روس که زمانی در یک سنگر بودند بعداً انشعاب کردند آگاهانه علیه دولت سوسیال امپریالیست روس و دولت دست نشاندۀ روس در پنجشیر جنگ را آغاز کردند.

پیروان زنده یادان مجید، داکتر فیض، حفیظ دره، باعث، طاهر بدخشی و چند پنجشیری روشنفکر و چند مسلمان بی خبر از خود در پنجشیر جنگ را آغاز کردند و مارکسیستان واقعی چپ مقدس نقشه جنگ علیه روس و دولت دست نشاندۀ روس می کشیدند و آگاهانه می جنگیدند به خاطر آزادی وطن و ملیت های باشرف افغانستان.

طورمثال داکتر فضل احمد به نام داکتر عبدالرحمن مغز متفکر جمعیت و شورای نظار تا که زمانی با جنبش انقلابی پیوند داشت، الی آخرین روزهای برآمدن روس و تا آخر از بین رفتن دولت دست نشاندۀ روس نقش رهبری داشت که نه روس از داکتر دل خوش داشت نه دولت دست نشاندۀ روس نه مجاهد

روس و دولت دست نشاندۀ روس در اوایل باخوانی ها آن قدر سخت گیر نبودند که باشعله ئی ها سخت گرفته بودند و حتی دیگر دشمنان خود را به نام شعله ئی محو و نابود کردند چون روس و دولت دست نشاندۀ روس می دانستند که چپ مقدس از خرام شان آنها را شناخته اند زیر بار خاینین رهبران چپ مقدس و پیروان آنها نمی روند و کوتاه نم آیند

و عناصر یزدل ، نا آگاه و مرتد که در بین بقایای چپ مقدس به شکل طفیلی بودند و ایمان مارکسیستی نداشتند آنها در زندان ها به جاسوسان حزب دموکراتیک خلق تبدیل شدند و یک تعدادشان تا آخر باشورای نظار و اینک با دولت کرزی باقی مانده اند

روح مطلب این است که آغازگر جنگ بگویم یا جهاد بگویم مارکسیست ها بودند نه کسانی که آیدیالیست بودند احمدشاه مسعود هم توسط چپ مقدس از لیز نورستان به اساس خواهش آنها و اشتباه مارکسیست ها به پنجشیر توسط مارکسیست ها آورده شد درحالی که در زمان حکومت داوود به نام جاسوس آئی اس آئی توسط مردم پنجشیر باداس، تیروبیل از پنجشیر رانده شده بود. و به مانند همقطاران در پاکستان تحت نظر آئی اس آئی تمرین و وطن فروشی و جنگ می کردند دیگر جای پای در بین توده هانداشتند باید اعتراف کرد مرتکب این اشتباه مارکسیست ها شدند تا احمدشاه مسعود و سیزده یار جاسوس آن به مارآستین تبدیل شدند و سرانجام نوکر روس.

تودست نوکری که دراز کرده ای به دشمن

پل بسته ای که تیرشوی از خاک و از وطن

آوردی سپاه از اقمار خود حتا از یمن

تا خونریزی کنی در شهر و کوه و چمن

شاعر بیوزن و بی ترازو

و به نام پیکار غرور پامیر زیر سؤال بردند پیکار و نام پامیر مقدس است نوکران روس نباید به پیکار و نام پامیر افتخار نمایند در عوض به اساس ارتباط زنجیری خود با روسها را می باید بر خود «پل دوستی» نام بگذارند.

نوت : وقتیکه روس به افغانستان حمله کرد یک قسمت یمن دولت دست نشاندۀ یمن بود